

مزدوران دولتي در افغانستان

نوشته Marie-Dominique CHARLIER

وزارت دادگستري آمريکا تصميم به تجديد نظر در راي دادگاه به آزادي ۵ نفر از اعضاي شرکت نظامي خصوصي (اس.ام.پي) بلک واتر داده است که در سپتامبر سال ۲۰۰۷ به روي جمعيتي در بغداد آتش گشوده بود. اين راي برائت، خشم فراواني را در عراق برانگيخته بود و نمايانگر نقش ابهام آميز اين سازمانها بود که از اين پس فعاليتشان در افغانستان افزايش يافته و در حال توسعه دادن استراتژي هايي مستقل براي سود آور کردن سرمايه گذاري هايشان ميباشند.

نوزدهم اوت ۲۰۰۹، روزنامه نيويورک تايمز در مقاله اي فاش ساخت که سازمان جاسوسي آمريکا (سيا) در سال ۲۰۰۴ کارمندان «بلک واتر» را در راستاي برنامه اي سري و بمنظور تعقيب وازبين بردن روساي القاعده، به استخدام در آورده بود. طبق گزارش اين روزنامه، چه مسئولين در راس امور آمريکايي وچه افراي که از اين قضيه کنار گذاشته شده بودند بر اين عقیده بودند که اين شرکت نظامي خصوصي بدليل همکاري کردن در سازماندهي ماموريت هاي مراقبتي و جاسوسي، ميليونها دلار پول از سيا دريافت کرده است، بي آنکه اين سري از عمليات منجر به دستگيري يا کشتن حتي يکي از شورشيان شود.

پس از جنجالي که منجر به زير سوال رفتن نقش اين سازمان در عراق شد، اين سازمان نام خود را به «زي سرويسز (Xe Services)» تغيير داد. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷، ۵ نفر از افراد اين سازمان که ماموريت حفاظت کارواني از مقامات آمريکايي را بعهده داشتند متهم به آتش گشودن به روي جمعيت (عراقيان) شده و موجب کشته شدن ۱۴ نفر (بگفته مقامات آمريکايي) و يا ۱۷ نفر (طبق گزارش ماموران عراقي) شدند.

عليرغم اين «لکه سياه» و چندين مورد مشابه، اين افراد که «پيمان کار» ناميده ميشوند، از آن پس توجه خود را به افغانستان معطوف کرده و به تکرار فعاليتهاي پيشين پرداختند: ۵ مه ۲۰۰۹، ۴ نفر از افراد «بلک واتر» (که تحت عنوان سازمان پاراوان فعاليت ميکردند) به سوي خودروي آتش گشوده و موجب مرگ يک تن و مجروح شدن چهارتن ديگر شدند. عليرغم

ابهام در قرارداد تعهداتشان، دو نفر از آنها در تاریخ ۷ ژانویه ۲۰۱۰ توسط دادگاهی آمریکایی متهم شناخته شدند.

وضعیت حقوقی بسیار مبهم

سازمانهای نظامی خصوصی از زمان پیدایش شان در دهه نود (۱) تا به امروز توسعه چشمگیری داشته اند. این سازمانها با بازاری جهانی در حدود ۷۰ میلیارد یورو در سال نقش ویژه ای را در صحنه کشمکش های نظامی و اقتصادی ایفا میکنند. این تحول از کاهش شدید کارایی ارتش آمریکا در پایان جنگ سرد و تصمیم وزیر دفاع وقت دونالد رامسفلد (۲۰۰۱-۲۰۰۶) مبنی بر توجیه استفاده از ابزار نظامی از طریق انتقال شمار فراوانی از مهارت های که مستقیماً نظامی محسوب نمیشدند به بخش خصوصی، سود برد. بدین ترتیب با دور زدن کنگره و اذهان عمومی مردم آمریکا، بکارگیری و استخدام سهل پرسنل برای عملیات مخفی تسهیل شد..

شمار برآورد این نیروهای نظامی خصوصی در افغانستان بین ۱۳۰ هزار تا ۱۶۰ هزار میباشد (۲)، که این کشور را به دومین صحنه حضور این نیروها پس از عراق تبدیل کرده است (۳)، هرچند که این موضوع میتواند ظرف مدت کوتاهی تغییر یابد: استقرار ۳۰ هزار سرباز کمکی جدید با ارسال پنجاه و شش هزار پیمانکار جدید همراه خواهد بود. این اعداد نمایانگر تقریباً دو سوم پرسنل مستقر پنتاگون در افغانستان میباشد - بالاترین درصد در تاریخ ایالات متحده.

شناخته شده ترین این سازمانها زی (بلک واتر)، دین کورپ، شرکت منابع نظامی حرفه ایی (MPRI) و کلگ براون و روت (۴) میباشد که در شرکت Private Security Companies of Afghanistan ادغام شده اند. فعالیتهای آنها بخش قابل توجهی از وجوه اختصاص داده شده به بازسازی ارتش ملی افغانستان را بخود اختصاص میدهند.

اگر چه تصور بر آن است که آنها عاملی کمکی برای نیروهای ائتلافی و ارتش آمریکا میباشد، با این وجود وضعیت حقوقی اشان بسیار مبهم است و ویرای راه حل هایی که ارائه میکنند این علایق اقتصادی است که تعیین کننده اصلی گزینش هایشان در صحنه جنگ می باشد. در واقع نوعی همگرایی مالی مابین گروههای صنعتی آمریکایی و شرکتهای نظامی خصوصی وجود دارد چرا که اکثریت این شرکتها در منطق متعارف اقتصادی خرید و ادغام که خصوصاً از سال ۲۰۰۱ متداول شد، خریداری شده اند.

علاوه بر این؛ ظهور این پیمانکاران با علاقه نظامیان آمریکا به تغییر شغل همزمان شد: ستاد اس.ام. پی. عموماً از افسران سابق تشکیل شده است و روابط ویژه و تنگاتنگی مابین افسران ارشد سابق آمریکایی که در این سازمانها کار میکنند و دنیای سیاست پنتاگون وجود دارد. چنین نزدیکی امکان دسترسی آنها به اطلاعات طبقه بندی شده را تسهیل کرده و موجب اطمینان خاطر آنها از مصونیت از مجازات میشود.

« مقصود ارتش آمریکا، بریتانیا و سایر کشورها از حضور در اینجا پیروزی در جنگ است، در حالیکه برای ما ادامه وضعیت امنیتی بد، بهتر است» این را پیمانکاری بریتانیایی اخیراً عنوان کرده است (۵). امری که در مغایرت با ثبات و « افغانستان در صلح» است.

تعدد کارمند و حضور آنها در ستاد سازمانهای مرتبط و وجود ارتباطات بین المللی، سبب تاثیر گذاری این شرکتها در تصمیم گیری های نظامی و خصوصاً عملیات ها شده است. همینطور میتوان به حضور کارکنان ام. پی. آر. آی در سطوح مختلف سلسله مراتبی « قوای بین المللی کمکی به امنیت ملی» (آیساف) و نیروهای امنیتی افغانستان اشاره کرد: مریگری پرسنل و مقامات، تهیه پیش نویس آیین نامه ارتش ملی افغانستان در « گروه مشاوره آموزش ترکیبی» (CTAG)، آموزش مدیران در « مرکز آموزش نظامی کابل» و یا پرورش متخصصین.

با آگاهی کامل از صحنه کارزار در افغانستان و با در اختیار داشتن مأموریت هایی درازمدت (از دو تا چهار سال) ، این شرکتها تاریخچه ایی استثنایی از وضعیت این کشور را در اختیار دارند. این تجربه ارزشمند چیز است که ستادهای مشترک که بندرت مأموریتی فراتر از شش ماه در منطقه دارند، نمیتوانند از آن صرف نظر کنند. این موضوع به آنها اجازه میدهد که به هماهنگی، تنظیم و حتی ارتقا کار سایر شرکتهای نظامی خصوصی اقدام کرده و نظرات ستادهای مشترک را با خود همسو سازند.

بنابر منابع رسمی وزارت دفاع فرانسه، بودجه اختصاص یافته به ام. پی. آر. آی بمنظور تهیه پیش نویس آیین نامه نظامی ارتش افغانستان حدود ۲۰۰ میلیون دلار (برابر ۱۴۰ میلیون یورو) بوده است و آموزش نیروهای ارتش ملی افغانستان ۱۸.۱ میلیارد یورو خرج در برداشته است. شرکتهای خصوصی نظامی هیچگونه بهره ای از ثبات در این کشور و اینکه ارتش ملی افغانستان به تنهایی کارآمد باشد، نمی برند: این موضوع از لزوم حضور نیروهای پیمانکار کاسته و بطور منطقی خلاف مصالح مالی آنها میباشد. پس آنها ترجیح میدهند که اطلاعات را برای خود

محفوظ داشته و بیش از آنکه به سازمانهای افغانی رایزنی های سودمند ارائه دهند؛ نقش مکمل این سازمانها را ایفا کنند.

رئیس دفتر «آیین نامه» مقرر فرماندهی آموزش ارتش ملی افغانستان (آن.آ.تی.سی)، ژنرال گلپهار خاطر نشان میسازد که هیچگونه تاریخ نهایی برای انتقال اختیارتهمیه پیش نویس آیین نامه به نیروهای ملی در اختیار ندارد. او که ذینفع این قضیه است هیچگونه مخالفتی علیه این سرپرستی ندارد: سرهنگی که جانشین تیمسار شده میدانند که هر گونه مخالفتی او را از کار بیکار میکند.

ام.پی.آر.آی انحصار مطلق تدوین آیین نامه ارتش افغانستان را در دست دارد و این میتواند کمک پایدار آنها را توجیه کند. از سوی دیگر این شرکت همبستگی خود را (با سایر شرکتهای مشابه) اینگونه نشان میدهد: در آیین نامه لجستیک ارتش ملی افغانستان (که توسط ام.پی.آر.آی نگارش شده) از شرکت «دین کورپ» بعنوان سازمان مسئول حمایت از نیروی هوایی، بدون هیچگونه محدودیت و یا حدو حصر زمانی نام برده شده است!

کار «آموزش مهارتها» نیز تجارتي پرسود است. با طولانی کردن مدت زمان استخدام، آموزش و برسرکار گذاشتن ۸۰۰ معلم که بمنظور شرکت در برنامه مبارزه با بیسوادی (برنامه سواد) ارتش ملی افغانستان بکار گرفته میشوند، این سازمانهای نظامی خصوصی راهی برای بازگشت پرسود سرمایه گذاری پیدا کرده اند. ظاهرا افزایش ظرفیت های تشکیلات داخلی ارتش افغانستان جزو ضرورتها محسوب نمیشوند.....

همینطور در زمینه مسائل لجستیکی ارتش - که توسط شرکت آرام. ایژیا تامین می گردد - و از دیگر نقاط قوت انحصار طلبی شرکتهای نظامی خصوصی محسوب میشود: هیچگونه محدودیت زمانی برای آموزش تکنسین های افغانی اعمال نمیشود.

همچنین منافع مالی کمپانی هایی که چندین هزار نفر از این پیمانکاران را به استخدام در می آورند با منافع مالی آیساف متفاوت است: این سازمانها نه خواهان پیروزی ضرب العجل هستند و نه خواستار تغییر ناگهانی دستگاه اجرایی، چرا که آنها نیازمند اعمال قدرت در رخدادهای موجود و تغییر جهت دادن آنها - چنانچه جهت گیریهای اجرایی و استراتژیکی ایجاب کند - میباشد (۷).

در این راستا، آنها بزودی فرصت جدیدی برای تحکیم موقعیت خود می‌یابند. ژنرال انگلیسی Neil Baverstock که فرمانده گروه آموزشی سی.تی.ای.جی. مستقر در حوالی کابل است دستور راه اندازی واحدهای آموزشی ارتش توسط افراد بخش دولتی و یا خصوصی را صادر کرده است. این تحول میزان نیاز به مربیان را افزوده همچنین فرصت‌های جدیدی را برای این پیمان‌کاران که از قبل برنامه ریزی استفاده از تجربیات و راهکارهای عراق در خاک افغانستان را کرده بودند، بوجود می‌آورد.

تأثیر مخرب برای مردم

بمنظور روش‌های اجرایی برای کسب تجربه در ارتش ملی افغانستان، پیمانکاران جدید به استخدام در می‌آیند. این اطلاعات ارزشمند جمع‌آوری شده؛ چشم اندازی کلی از وضعیت موجود در افغانستان را بدست می‌دهد و فرصتی را برای آنها بوجود می‌آورد تا بتوانند موقعیت استراتژیک خود در چهارچوب نظریه پردازی را - همانند آموزش ارتش افغانستان - مستحکم‌تر سازند.

همانگونه که در عراق تجربه شد، «استخدام سرباز اجاره‌ای» مداخله نیروهای بین‌المللی را بی‌اعتبار می‌سازد. تنها گشت زدن با ماشین در خیابانهای کابل برای متقاعد شدن به این موضوع کافیست. تحریک آمیز و پرخاشگر، رفتار، نگرش و تجهیزات مورد استفاده بعضی از افراد اس.ام. پی، به کاریکاتور فیلم‌های سینمایی شباهت دارد. (۸)

طبق مشاهدات یکی از نمایندگان پارلمان افغانستان «مردم افغانستان سربازهای آیساف را از سربازهای اس.ام.پی تمایز نمی‌دهند». «این سردرگمی ساده با در نظر گرفتن رفتار خشونت آمیز جنگجویان شخصی نفعی برای نیروهای ائتلافی ندارد».

چگونه میتوان مبارزه با جنبش شورشیان را توجیه کرد زمانیکه کشورهای مداخله‌گر که نمایندگان سازمان ملل محسوب میشوند، مزدورانی را اجیر میکنند که انگیزه‌اشان لزوماً برقراری صلح نیست؟

سرانجام سوال نهایی مسئله اخلاقی (۹) و امنیت استفاده از این افراد است. رسوایی زندان ابوغریب، جایی که نیمی از بازجویان درگیر در قضیه و کلیه مترجمان، از شرکت سی.ای.سی.آی و تایتان استخدام شده بودند، نشان دهنده چاه عمیقی است که در برابر

اخلاقیات کسب و کار سلاح وجود دارد. از آنجایی که شرکتهای نظامی خصوصی در چهارچوب قضایی نظامیان دولتی عمل نمیکنند، تنها وجهه نظامیان آیساف را در مقابل مردم افغانستان خدشه دار میسازند. سوالی که بیش از همه در اینجا مطرح میشود امکان گذار برون سپاری خدمات به برون سپاری جنگ میباشد.

۱ - نگاه کنید به سامی مکی در "Sociétés militaire privées dans le chaos irakien" و فرانسوا دومینگز در "La nébuleuse des mercenaires français"

در لوموند دیپلوماتیک بترتیب در نوامبر ۲۰۰۴ و اگوست ۲۰۰۳.

۲ - براساس مطالعه انجام شده توسط Congressional Research Service که Walter Pincus در مقاله ای در واشنگتن پست به آن اشاره کرد (۱۶ دسامبر ۲۰۰۹).

۳ - در سال ۲۰۰۷، وزارت دفاع آمریکا از نیروی ۱۸۵ هزار سرباز "قراردادی" و ۱۶۰ هزار سرباز عادی در عراق سود جست.

۴ - از توابع پیشین "هالی برتون".

۵ - Remy Ourdan, « Les mercenaires mettent le cap sur Afghanistan » لوموند دیپلوماتیک، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹

۶ - MPRI - که از توابع L-۳ Communications محسوب میشود، توسط ژنرال Carl Edward Vuono که رئیس سابق ستاد نیروی زمینی ارتش آمریکا در زمان جنگ اول خلیج فارس بوده است و ژنرال Harry Edward Soyster مدیر سابق تعلیمات نظامی، پایه گذاری شده است. این شرکت بیش از ۳۰۰ نفر از ژنرالهای پیشین را در استخدام دارد.

۷ - فنون عملیاتی بخشی جدایی ناپذیر از فنون جنگی میباشد. آنها که جایگاهی میان استراتژی و تاکتیکهای نظامی دارند، تابع استراتژی و تعیین کننده ماموریتها، گرایش و بسط تاکتیکها میباشد.

۸ - شباهت به قهرمانان فیلمهای جنگی معاصر آزردهنده است، تصویری صادقانه از آرنولد شوارزنگر که بارها و بارها تکرار میشود.

-Jean-Réne Bachelet, Pour une éthique du métier des armes, ۹
Vuibert, Paris. 2006.

برگرفته از سایت لوموند دیپلماتیک